

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

انینۀ ایران

بهرام رحمانی
۱۹ فبروری ۲۰۱۳

حکومت اسلامی ایران،

عامل اصلی تولید کننده خشونت در جامعه است!

۱

مقدمه

حکومت اسلامی ایران، سی و چهار سال است که با اتکاء به قوانین قرون وسطائی و وحشیانه اسلامی، دست و پا می برد؛ چشم درمی آورد؛ شلاق می زند؛ سنگسار می کند؛ در زندان ها به زندانیان تجاوز می کنند و زیر شکنجه می کشند؛ زندانیان را مخفی و علنی و در خیابان ها به دار می آویزند؛ این حکومت زن ستیز و آزادی ستیز است؛ کودکان دختر را تشویق به ازدواج می کنند؛ عامل فقر و فلاکت اقتصادی، کار کودک و عامل بسیاری از آسیب های اجتماعی است؛ این حکومت، دشمن درجه یک آزادی بیان، قلم، اندیشه و فعالیت های متشکل آزادیخواهانه و برابری طلبانه و عدالت جویانه است؛ و...

همه مذاهب در دوران قدر قدرتی شان، این نوع وحشی گری ها را در جوامع بشری اعمال کرده اند. اما مسیحیت و یهودیت بر اثر مبارزات طولانی مردم آزاده، از قدرت رانده شده اند و جلو جنایات بی شمارشان نیز گرفته شده است. اما در کشورهایی چون ایران و عربستان سعودی و...، این نوع وحشی گری ها و بربریت اسلامی، هم چنان در قرن بیست و یکم نیز در جریان است.

البته اجرای این قوانین وحشیانه در حکومت اسلامی، عملاً برای همه یک سان نبوده و طبقاتی است. یعنی علیه سرمایه داران و کلان دزدان اجراء نمی شود، بلکه علیه زده های که از سر فقر و نداری و بیچارگی دست به این کار زده اند، به اجراء درمی آید.

قطع دست و پا؟!!

روز پنجشنبه ۵ دلو [دلو] ۱۳۹۱، دادستان ساری خبر از اجراء این حکم برای یکی از شهروندان ساری خبر داد که به جرم سرقت به قطع دست محکوم شده بود. معاون اول قوه قضائیه حکومت اسلامی، اجراء حکم قطع دست و پا را یکی از افتخارات نظام قضائی اسلامی می داند.

این خبر را روز شنبه ۷ دلو ۱۳۹۱، دادستان عمومی و انقلاب ساری اعلام کرده است: «این فرد که دارای سوابق متعدد کیفری بود به جرم سرقت به قطع ید محکوم شده بود.» اسدالله جعفری، بدون اشاره به زمان اجراء حکم گفت:

«پرونده این مجرم بعد از رسیدگی های اولیه و صدور حکم و طی تشریفات قانونی نهائی و حکم قطع چهار انگشت او در محوطه زندان ساری اجراء شد.» او اجرای این حکم را هم سو با اجرای حدود الهی و از تکالیف شرعی و قانونی برشمرد و ادعا کرد: «صدور و اجرای این گونه احکام در عین حال از مطالبات به حق مردم است.»

جانینان حکومت اسلامی، پیش از این نیز دست یک جوانی را به دلیل دزدی در شیراز قطع کرده بودند. پیش از ظهر پنجشنبه ۵ دلو ۱۳۹۱، با حکم مراجع قضائی حکم قطع پد یک سارق ۲۹ ساله در ملاء عام انجام شد.

به نوشته روزنامه های حکومتی، «این سارق، در قالب یک گروه ۱۰ نفره اقدام به سرقت های متعدد در شهر شیراز کرده و هم چنین به داشتن رابطه نامشروع و ... محکوم است.» علاوه بر اجرای حکم قطع پد، این سارق به رد مال و سه سال زندان نیز محکوم شده است.

به این ترتیب، این اولین بار نیست که حکومت اسلامی به چنین وحشی گری هائی دست می زند. قبل از این نیز خبر بریدن دست و یا پای دزدی در رسانه های حکومتی اعلام شده است. به چند نمونه از این نوع وحشی گری ها در سال های اخیر اشاره می کنیم.

قطع دست ۴ نفر در کرمانشاه و هم چنین آرش بنا در اردیبهشت ۸۶، که به حکم دادگاه جزائی کرمانشاه و در ملاء عام انجام گرفت، قطع پای دو نفر در زندان کارون اهواز در آبان ۸۵، قطع دست ۴ نفر در شهریور ۸۶ در مشهد، قطع ۴ انگشت دو تبعه افغان در خرداد ۸۶ در تهران، در رسانه ها منتشر شده بود.

دادگستری استان سیستان و بلوچستان، در ۱۶ دی [جدی] ۱۳۸۶، اعلام کرد حکم قطع دست راست و پای چپ را در مورد پنج متهم به محاربه اجراء کرده است. دادگستری سیستان و بلوچستان، در اطلاعیه خود ابراز امیدواری کرده بود که «اجرای حدود الهی باعث عبرت و تنبیه سایر مجرمان شده و امنیت و آسایش را برای عموم مردم که خواهان زندگی بی دغدغه از هجوم اشراک است، به ارمغان آورد.»

روزنامه حکومتی قدس، ۲۵ اردیبهشت [ثور] ۱۳۸۶، خبر داد: «به منظور برخورد قاطع با اخلاص گران امنیت و نظم اجتماعی و نیز اجرای حدود الهی، رأس ساعت ۱۶ مورخه ۱۳۸۶/۲/۲۳، حد شرعی قطع پد آرش در ملاء عام در چهارراه جعفرآباد کرمانشاه به اجراء در آمد.» قبل از آن نیز دست ۴ نفر دیگر را در این شهر، قطع کرده بودند.

در همان روز، روزنامه قدس و ایرنا، با ستایش این نوع مجازات های غیرانسانی نوشتند: «در يك سال گذشته این چندمین بار است که دادگستری استان کرمانشاه با قاطعیت هرچه تمام تر متجاوزان امنیت عمومی را در ملاء عام به سزای اعمال شان می رساند زیرا نگرش مدیریت دادگستری کل استان کرمانشاه مبنی بر ناامن سازی محیط جامعه برای تبه کاران و بالابردن هزینه جرم و جنایت است.»

روزنامه اعتماد ملی، وابسته به مهدی کروی نیز به نقل از استاندار کرمانشاه نوشت: «اجرای حد تأثیر چشم گیری در کنترل جرایم دارد.»

آیت الله محی الدین شیرازی، نماینده ولی فقیه و امام جمعه شیراز، با انتقاد از توقف اجرای علنی برخی از "حدود" چون قطع دست و تحسین دادگستری کرمانشاه، خواستار اجرای "حدودی" چون قطع دست در شیراز و استان فارس شد: «کسانی که می گویند تاریخ مصرف احکامی مانند قطع دست دزد گذشته، تاریخ مصرف خودشان گذشته است...»

الهیار ملکشاهی، رئیس دادگستری کرمانشاه هم که قطع دست آرش بنا را در ملاء عام اجراء کرده و با واکنش های تند بین المللی مواجه شده بود در پاسخ خبر از صدور چندین حکم مشابه و اجرای قریب الوقوع آن در ملاء عام خبر داده و گفته بود: «اگر سرقتی در این استان اتفاق بیفتد که شرایط اجرای حد را داشته باشد، حد در ملاء عام اجراء خواهد شد.»

داوود صالحی، سفیر ایران در اسپانیا نیز از اجرای حکم اعدام و قطع دست و پای بزهکاران در ایران دفاع و این عمل را با عمل جراحی قطع عضوی از بدن برای جلوگیری از سرایت بیماری به بقیه اعضاء مقایسه کرده بود.

بر اساس گزارشی که روزنامه دیلی تلگراف در دلو ۸۶، منتشر کرد داوود صالحی، در یک کنفرانس مطبوعاتی در مادرید گفته بود که «براساس قوانین ما کسی که دزدی می کند باید دستش قطع شود، این مسأله در غرب مورد قبول نیست، اما گروه های مدافع حقوق بشر باید آداب و سنن مذهبی و رویدادهای اقتصادی را در نظر بگیرد.»
به اعتقاد این عنصر به اصطلاح دیپلمات «برخی از قوانین برای حفظ سلامت جامعه ضرورت دارد و اگر نباشند سلامت جامعه به خطر می افتد.»

قطع ۴ انگشت دست راست سه نفر در کرج در تیر ۸۷، قطع انگشتان فردی به نام محمد حسین قاندری در زندان عادل آباد شیراز و...

آیت الله حائری، تیر ماه ۸۷ اعلام کرده بود: «اگر دست کسانی که در ایران مرتکب دزدی می شوند قطع شود، آمار سرقت کاهش خواهد یافت.» این آخوند، اما افزوده بود: «در حال حاضر اجرای این قانون باعث می شود ما را در بحث حقوق بشر محکوم کرده و علیه اسلام فتنه درست کنند. به همین خاطر ما مجبوریم تقیه کنیم تا روزی بتوانیم در جهان از احکامی چون قطع دست دفاع کنیم.»

در سال ۱۳۸۸، روزنامه ها طی خبری کوتاه نوشتند: «۳۸ اعدام و چهار قطع عضو در اهواز» معاون دادستان عمومی و انقلاب اهواز، از اجرای حکم اعدام و چهار مورد قطع عضو در این شهرستان، طی ۱۱ ماه اخیر خبر داد.

احمد رضا رشیدی، به خبرگزاری مهر گفته که «جامعه انتظار دارد پس از صدور حکم، اجرای آن به سرعت انجام شود.» آن طور که رشیدی اعلام کرده است، دادسرای اهواز، احکام اعدام قاچاقچیان و سرقت های مسلحانه را سریع تر از احکام قصاص، به اجراء می گذارد. او، هم چنین شمار پرونده های قضائی وارد شده به اداره اجرای احکام شهرستان اهواز، از ابتدای سال جاری تاکنون را ۱۱ هزار و ۸۷۷ فقره اعلام کرده است.

آمار اعدام ها و قطع عضوها در شهر اهواز، در شرایطی اعلام شد که سرتیپ اصغر جعفری، رئیس پولیس سابق آگاهی نیروی انتظامی، ۱۸ آبان ماه [عقرب] از آمادگی این نیرو برای «قطع دست سارقان» خبر داده بود.

به گزارش روزنامه دولتی «ایران» چاپ تهران، پنجشنبه ۲۶ فروردین [حمل] ۱۳۸۹ - ۱۵ اپریل ۲۰۱۰، دادستان ماهشهر در جنوب ایران گفت که یک سارق مسلح در این شهر در ملاء عام اعدام شده و حکم قطع دست و پای همدست او نیز در زندان اجراء شده است.

قاضی رضا ابوالحسنی، دادستان عمومی و انقلاب ماهشهر، گفت که عدنان ساعت ۱۱ صبح روز سه شنبه در میدان «پولیس» ماهشهر اعدام شد. او افزود: «حکم قطع دست و پای دیگر عضو شبکه نیز در زندان اجراء شد.» او از این متهم نام نبرد.

گروه عفو بین الملل، اعلام کرد که در سال ۲۰۰۹، بیش از ۳۸۸ نفر در ایران اعدام شدند که پس از چین، با جمعیت یک میلیارد و سیصد میلیون نفری، بیشترین است. عفو بین الملل یادآور شد که حکومت اسلامی ایران، در مورد تعداد اعدام ها آمار رسمی منتشر نمی کند و به همین دلیل، احتمال زیاد می رود که آمار اعدام ها بیش از رقمی باشد که در این گزارش ذکر شده است.

گزارش روزنامه خراسان در مهر ماه ۱۳۸۹، خبر داد که دیروز سه شنبه ۲۰ مهر ماه [میزان] در زندان مشهد دست جوانی را به گناه دزدی از بدن جدا کردند.

دادگاهی در تهران به قطع دست سارق یک کارگر قنادی حکم داد که بیست و یک سال سن دارد. خبرگزاری فارس روز ۲۴ میزان ۱۳۸۹ - ۱۶ اکتوبر ۲۰۱۰، نوشت: جوان بیست و یک ساله در جلسه دادگاه پذیرفته که «با هم دستی

تعدادی از کارگران قنادی اقدام به سرقت بیش از چهار میلیون تومان پول کرده است.» این جوان گفته که فقط یک میلیون تومان از این پول را برداشته و مابقی را بین کارگران قنادی تقسیم کرده است.

قاضی محمدرضا گیوکی، رئیس شعبه ۱۱۵۶ مجمع قضائی بعثت در تهران، که به این پرونده رسیدگی کرده، به جرم سرقت از قنادی «متهم را به قطع ید بابت حد سرقت، رد اموال، شش ماه حبس بابت تخریب (شکستن در و قفل گاوصندوق)، پرداخت دیه و شش ماه حبس بابت ترمز از ماموران پولیس» محکوم کرده است.

بر اساس این گزارش، هفته گذشته دادستانی مشهد گزارش داده بود که دست یک زندانی متهم به سرقت در زندان این شهر در مقابل چشمان تعدادی از دیگر زندانیان قطع شده است.

محمد ذوقی، دادستان شهر مشهد گفته بود که «عمل یک سارق می تواند در شرایطی از مصادیق جرم محاربه باشد که مجازات سنگین اعدام را در پی خواهد داشت.»

به گفته ذوقی، اما سرقت هائی که مصداق محاربه نباشد بر اساس قانون مجازات اسلامی و آیت ۳۸ سوره مائده قرآن «اصل بر قطع ید سارق است.» آقای ذوقی گفت، فردی که دستش قطع شد با همدستی شخص دیگری در یک مورد شبانه، از گاو صندوق مغازه ای، مقداری اسناد و مدارک و پول سرقت کرده است و در مورد دیگری با ورود به خانه ای، پس از بستن دست و پای صاحب خانه و همسرش، اقدام به سرقت وسایل و خودرو این خانواده کرده اند.

دادگستری استان یزد، بریده شدن چهار انگشت دست دو سارق در ملاء عام در یزد را ۲۳ عقرب ۱۳۹۱، سال جاری اعلام کرد و در همان ماه، دادستان عمومی و انقلاب دزفول هم از صدور حکم قطع دست برای یک سارق در این شهر خبر داد. در ماه میزان سال جاری هم دو جوان ۲۹ و ۲۷ ساله در ایران به اتهام قتل و دستبرد مسلحانه به چند طلافروشی به اعدام و قطع دست و پای چپ محکوم شدند.

در ماه های اخیر، به خاطر گسترش فقر و بی کاری، سرقت نیز در جامعه بیشتر و هم چنین دست و پا بریدن ها نیز بیشتر شده است. نزدیک به سه ماه پیش نیز در استان همدان در غرب ایران دست پنج نفر به اتهام سرقت قطع شده بود.

درآوردن چشم

در حالی که دانش پزشکی می کوشد با استفاده از یک «چیپ» بینائی را به نابینایان باز گرداند، قوه قضائیه حکومت اسلامی ایران در چارچوب «قانون قصاص» ش بینایان را کور می کند.

به گزارش سایت تابناک و روزنامه شرق، در ماه می ۲۰۱۱، این مرد پنج سال پیش با پاشیدن اسید به صورت مرد ۴۰ ساله ای به نام «ولی» سبب کوری یک چشم و ضعف بینائی چشم دیگر او شده است. متهم کارگر یک رستوران است، ۵ سال قبل با پاشیدن اسید، یک چشم مردی ۴۰ ساله را کور کرده است.

ولی که در ابتداء قادر نبود تشخیص دهد چه کسی به روی او اسید پاشیده است، چند روز بعد محمد را به عنوان عامل احتمالی به پولیس معرفی کرد. پولیس پس از یافتن محمد، آثار سوختگی ناشی از اسید را روی دست وی نیز کشف کرد. محمد، ابتداء منکر اسیدپاشی شد، اما در تحقیقات بعدی به آن اعتراف کرد.

متهم، هم چنین اعتراف کرد که معتاد بوده و برای تأمین مواد مخدر خود از «حسن»، شوهر خواهر ولی، پول گرفته تا به روی او اسید پاشد. در جریان رسیدگی به پرونده، ولی خواستار اجرای حکم قصاص در مورد محمد شد. پرونده این ماجرا، سرانجام به شعبه ۷۹ دادگاه کیفری رفت. دادگاه با توجه به اصرار ولی برای اجرای حکم قصاص، از پزشکی قانونی استعلام کرد. پزشکی قانونی اعلام کرد که کور کردن چشم محمد با اسید، ممکن است به مغز وی نیز آسیب برساند و باعث مرگ او شود. به همین دلیل، قضات شعبه ۷۹ با استناد به نظریه پزشکی قانونی، برای محمد حکم پرداخت دیه و برای شوهر خواهر مرد آسیب دیده، به جرم اجیرکردن محمد حکم زندان صادر کردند.

شاکیان پرونده، به حکم شعبه ۷۹ اعتراض کردند. به حکم دیوان عالی کشور، پرونده به شعبه ۷۷ دادگاه کیفری استان تهران انتقال یافت. قضات این دادگاه، حکم دادند که چشم متهم باید به موجب قانون قصاص کور شود، اما استفاده از اسید مجاز نیست و باید از روش های پزشکی برای این کار استفاده شود. آن ها هم چنین حسن را به جرم اجبر کردن محمد به ۲ سال زندان و ۳ سال تبعید محکوم کردند.

این بار، حکم دادگاه تجدیدنظر با اعتراض متهمان روبه رو شد. اما دیوان عالی حکومت اسلامی، پس از تأیید حکم شعبه ۷۷ آن را برای اجراء به دادرسی جنائی تهران فرستاد. در صورت اجرای این حکم، چشم راست محمد با روش های پزشکی کور می شود و او باید بابت چشم چپ مرد آسیب دیده نیز، که بینائی آن کم شده است، دیه سنگینی بپردازد. گزارش تصویری یک نمونه درآوردن چشم محکومی در رسانه ها منتشر شده است. قطعاً گزارشگر آن یک روزنامه دولتی است. مجری پزشک قانونی است. متهم ضجه کنان به «دکتر» التماس می کند که چشمش را درنیورد. اما این پزشک، با بی رحمی تمام چشم این فرد نگون بخت را از حدقه درآورد.

نام پزشک احمدی، در تاریخ ایران به عنوان يك فرد خبیث و عامل رضاشاه در درون زندان های آن دوره مشهور است. همه کسانی که رضا شاه تاب تحمل آن ها را نداشت و دستگیر شده و در زندان قصر بودند، بعد از مدتی توسط پزشک احمدی از بین می رفتند. شیوه معمول نیز این بود که احمدی تحت عنوان تقویت، مداوا و غیره به آن ها آمپول هوا تزریق می کرد که نمونه های متعددی نیز دارد. مثل کشتن سردار اسعد، ارانی و بسیاری از سران زندانیان دیگر.

اعدام قاچاقچیان

در عرصه اعدام قاچاقچیان نیز مجازات مرگ باری را برای حمل و نقل مواد مخدر تعیین کردند و هزاران نفر را نیز دار زدند، اما مشکل قاچاق هم حل نشد! آن هم در حالی که دست کم در چند کشور، محموله های بزرگی از قاچاق مواد مخدر گرفته اند که براساس اظهارات مقامات پولیس و قضائی آن کشورها، این محموله ها مربوط به سپاه پاسداران حکومت اسلامی بوده است.

بنا به نوشته یکی از روزنامه های داخلی ایران، «اگر پای صحبت بسیاری از قاچاقچیان خرده پا که به خاطر چند گرم مواد محکوم به اعدام شده اند بنشینید، خواهید شنید که می گویند، می دانستیم اگر ما را بگیرند، اعدام می کنند ولی امان از دست فقر و نداری.»

در این جا نیز می بینیم که معتادان، یعنی قربانیان این مواد افیونی بیش ترین رقم اعدامی ها در ایران را تشکیل می دهند و حتی یک نمونه نیز شنیده نشده است که یک قاچاقچی معروف و بزرگ مواد مخدر در ایران دستگیر و دادگاهی شود تا چه برسد او را اعدام کنند.

اعدام قاچاقچیان و معتادان مواد مخدر نیز نه تنها ذره ای از این فاجعه انسانی نکاسته، بلکه به طور روزافزونی نیز در حال گسترش است و علل آن هم گسترش فقر و نداری در جامعه و یأس و ناامیدی است. کسی که زندگی متعارفی دارد و از درآمدی که کفاف خود و خانواده اش را می دهد برخوردار است، قطعاً سراغ جرم و جنایت نمی رود.

آن ها، نه با شلاق زدن و دست بردن که از طریق دست کم مدیریت صحیح جامعه و ارتقای سطح معیشت مردم به این مهم دست یافته و جامعه ای شکل داده اند که عموماً نیازی به سرقت و متعاقب آن مجازات و قطع دست و ... نباشد. این نکته ای است که در «دین مبین اسلام» و به خصوص قوانین حکومت اسلامی وجود ندارد.

قوانین وحشیانه و غیرانسانی حکومت اسلامی

همه قوانین حکومت اسلامی از قانون اساسی و قانون کارش گرفته تا قانون خانواده و قانون مجازات اسلامی، مطبوعات، همه و همه وحشیانه و ضدانسانی هستند و به کلی باید به زباله دانی ریخته شوند.

...

فصل چهارم - حد سرقت

ماده ۲۰۱: حد سرقت به شرح زیر است:

الف- در مرتبه اول قطع چهار انگشت دست راست سارق از انتهای آن به طوری که انگشت شست و کف دست او باقی بماند.

ب- در مرتبه دوم، قطع پای چپ سارق از پائین برآمدگی به نحوی که نصف قدم و مقداری از محل مسح او باقی بماند.

ج- در مرتبه سوم حبس ابد.

د- در مرتبه چهارم اعدام، ولو سرقت در زندان باشد.

تبصره ۱: سرقت های متعدد تا هنگامی که حد جاری نشده حکم یک بار سرقت را دارد.

تبصره ۲: معاون در سرقت موضوع ماده ۱۹۸ این قانون به یک سال تا سه سال حبس محکوم می شود.

ماده ۲۰۲: هر گاه انگشتان دست سارق بریده شود و پس از اجرای این حد، سرقت دیگری از او ثابت گردد که سارق قبل از اجرای حد مرتکب شده است، پای چپ او بریده می شود.

ماده ۲۰۳: سرقتی که فاقد شرایط اجرای حد باشد و موجب اخلال در نظم یا خوف شده یا بیم تجری مرتکب یا دیگران باشد اگر چه شاکی نداشته یا گذشت نموده باشد موجب حبس تعزیری از یک تا پنج سال خواهد بود.

تبصره: معاونت در سرقت موجب حبس از شش ماه تا سه سال می باشد.

کتاب سوم قصاص

باب اول - قصاص نفس

فصل اول - قتل عمد

ماده ۲۰۴: قتل نفس بر سه نوع است: عمد، شبه عمد، خطا.

ماده ۲۰۵: قتل عمد برابر مواد این فصل موجب قصاص است و اولیای دم می توانند با اذن ولی امر قاتل را با رعایت شرایط مذکور در فصول آتیه قصاص نمایند و ولی امر می تواند این امر را به رئیس قوه قضائیه یا دیگری تفویض نماید.

ماده ۲۰۶: قتل در موارد زیر قتل عمدی است:

الف- مواردی که قاتل با انجام کاری قصد کشتن شخص معین یا فرد یا افرادی غیرمعین از یک جمع را دارد خواه آن کار نوعاً کشنده باشد خواه نباشد ولی در عمل سبب قتل شود.

ب- مواردی که قاتل عمداً کاری را انجام دهد که نوعاً کشنده باشد هر چند قصد کشتن شخص را نداشته باشد.

ج- مواردی که قاتل قصد کشتن را ندارد و کاری را که انجام می دهد نوعاً کشنده نیست ولی نسبت به طرف بر اثر بیماری یا پیری یا ناتوانی یا کودکی و امثال آن ها نوعاً کشنده باشد و قاتل نیز به آن آگاه باشد.

ماده ۲۰۷: هر گاه مسلمانی کشته شود قاتل قصاص می شود و معاون در قتل عمد به سه سال تا ۱۵ سال حبس محکوم می شود.

ماده ۲۰۸: هر کس مرتکب قتل عمد شود و شاکی نداشته یا شاکی داشته ولی از قصاص گذشت کرده باشد و اقدام وی موجب اخلال در نظم جامعه یا خوف شده و یا بیم تجری مرتکب یا دیگران گردد موجب حبس تعزیری از ۳ تا ۱۰ سال خواهد بود.

تبصره: در این مورد معاونت در قتل عمد موجب حبس از یک تا پنج سال می باشد.

ماده ۲۰۹: هر گاه مرد مسلمانی عمداً زن مسلمانی را بکشد محکوم به قصاص است لیکن باید ولی زن قبل از قصاص قاتل نصف دینه مرد را به او بپردازد.

ماده ۲۱۰: هر گاه کافر ذمی عمداً کافر ذمی دیگر را بکشد قصاص می شود اگر چه پیرو دو دین مختلف باشند و اگر مقتول زن ذمی باشد باید ولی او قبل از قصاص نصف دینه مرد ذمی را به قاتل بپردازد.

این احکام وحشیانه در قرآن نیز چنین آمده است: حکم قطع دست دزد (قرآن: سوره مائده، آیت ۳۸)؛ حکم قطع معکوس دست و پای محارب (مائده، ۳۳)؛ حکم قصاص چشم در برابر چشم، بینی در برابر بینی، گوش در برابر گوش و دندان در برابر دندان (مائده ۴۵)؛ حکم رجم؛ حکم مرتد؛ و...

دزدهای بزرگ در حکومت اسلامی مصونیت قانونی دارند!

سران و مقامات حکومت اسلامی سی و چهار سال است ثروت های عمومی جامعه ایران را که باید صرف رفاه و خدمات عمومی جامعه شود غارت کرده، حیف و میل نموده و به جیب زده اند. واژه معروف «آقازاده» ها به فرزندان و نزدیکان آخوندهائی گفته می شود که در حاکمیت هستند و یک شبه صاحب کارخانه و شرکت و ثروت های میلیارد دلاری شده اند و قشر تازه ای از سرمایه داران جامعه ایران را به وجود آورده اند.

اگر به کارنامه سپاه و خونین حکومت اسلامی نگاه کنیم، می بینیم که هر یک از سردمداران و مقامات و مسئولین آن، میلیاردها دالر از سرمایه ها و ارز کشور را به جیب زده اند. آن ها، این مبالغ هنگفت را در داخل و خارج کشور سرمایه گذاری نموده اند و یا در بانک ها ذخیره کرده اند. بخش عمده صادرات و واردات و حتی قاچاق کالا، مواد مخدر، مشروبات الکلی و اغلب در انحصار باندهای قاچاق و مافیائی وابسته به ارگان های رنگارنگ حکومت اسلامی، به ویژه سپاه پاسداران است. آن ها، هم چنین در درون کشور نیز شرکت ها، صنایع و معادن، کارخانه ها، زمین ها، و اموال عمومی مردم را به تصرف خود در آورده اند. در برابر این همه دزدی و غارت حکومتیان، تاکنون شنیده نشده است که دست یک مقام و مسؤول و مدیر دزد حکومتی، پاسدار، بسیج، و یا آخوند و فرزندان دزد آن ها را به دلیل دزدی از بدن شان جدا شده است!

حدود چهار سال پیش **لیستی** از بخشی از دزدی ها و غارت گری های مسؤولان حکومت اسلامی نه در خارج کشور، بلکه در داخل کشور توسط یکی از عناصر حکومتی به نام «عباس پالیزدار» رئیس دفتر مطالعات زیربنائی مجلس، البته با حمایت احمدی نژاد در دانشگاه همدان پخش شد. به طوری که مسؤولین حکومتی به وحشت افتادند و بنا به خواسته هاشمی رفسنجانی، پالیزدار را به عنوان اغتشاش گر دستگیر و مدت کوتاهی زندانی کردند. عباس پالیزدار در سخنرانی خود در دانشگاه همدان، نام ۵۰ تن از غارتگران حکومت اسلامی را فاش ساخت. در این جا، اشاره کوتاهی به برخی از گفته های او، می اندازیم:

... کسانی که به عنوان مفسد اقتصادی در کشور در حال فعالیت هستند تحت حمایت شاهرودی رئیس قوه قضائیه قرار دارند. وقتی طی ۱۶ سال گذشته پرونده هائی از مفاسد اقتصادی بررسی شده و مدیران به دادگاه معرفی و دادگاه حکم ۵ ریال و ۱۰ ریال برای متهمان داده، ببینید چه مصیبتی بر سر کشور آمده است.

پرونده شهرام جزایری هم که مطرح شد، مانند هزاران پرونده مفاسد اقتصادی دیگر است، ولی چون شهرام جزایری اسامی يك سری مفاسد اقتصادی و افراد وابسته را اعلام کرد مورد ضرب و شتم قرار گرفت چرا که منافع بسیاری از علماء و سران به خطر افتاده بود.

در حال حاضر ۱۲۳ پرونده مفاسد اقتصادی کشور در کمیته تحقیق و تفحص مجلس در دست بررسی است ولی اگر بخواهیم پرونده واقعی مفاسد اقتصادی را بیان کنیم، اصلاً نمی توانیم باور کنیم.

... مثلاً ما گفتیم مسأله فروش سؤال های کنکور چه بود؟ پرونده اش را بدهید که چه کسی در این کار دست داشت. این ها پرونده های اصلی را نمی دادند که ببینیم چه کسی دست داشت، پرونده های فرعی را می دادند. خلاصه ما هم دست پیدا کردیم به کدهائی... به جاهائی که رسیدیم، مرخصی ها شروع شد... خلاصه ما فجایی که اتفاق افتاده در جمهوری اسلامی را دیدیم... حالا بدون توجه به این همه فقر و مصیبت ها و مشکلاتی که مردم دارند، کسانی که مردم پشت سرشان نماز می خوانند، رفته اند این کارها را کرده اند؟...

خلاصه دیدم که يك آقای آمده و نامه زده که پسرش معلول جسمی است. گفته می خواهم يك مؤسسه توان بخشی بزنم که پسر هم برود در آن مؤسسه توان بخشی، دم دست خودم باشد. ۱۰۰ تا، ۲۰۰ تا، ۳۰۰ تا معلول را نگهداری کنیم در آن جا، پسر هم مسؤول آن ها باشد. گفتند: باشد، خدا پدرت را بیامرزد. مؤسسه را که ثبت کرده و کارش را استارت زده، نامه زده به آقای... گفته که من کمک نیاز دارم، نمی توانم خرج کنم که، باید نظام به ما کمک کند. چه کار کنیم؟ فلان معدن را، معدن سنگ دهبید فارس را بدهید به این آقا. آقا این سنگ مرمر بهترین سنگ مرمر دنیاست، از منابع انفال جمهوری اسلامی است. بدهیم به شما؟ بله، بدهیدش به من. معامله انجام شد و این معدن را به این آقا واگذار کردند. دوباره بعد از يك مدت گفت آقا این معدن کافی نیست، معدن... زنگان را هم بدهید به ما. چهار تا را که ما پیدا کردیم، چهار تا معدن را يك آقای از علماء گرفته، که مردم هم پشتش نماز می خوانند متأسفانه.

یکی از حاضران در این جلسه، خواستار اعلام اسم فرد می شود. پالیزدار، گفت: اگر اجازه بدهید، اسم نبرم. شاید بعضی ها خدای نکرده ... اعتراض جمعی... یکی از دانشجویان می گوید بگوئید تا پشت سرش نماز خوانیم. باز پالیزدار، گفت: نه دیگر، اگر بنا باشد ما بگوئیم و شما نماز نخوانید که نمی شود... ادامه مهمه... باشد، من در چند مورد اسامی شان را می گویم. این یکی که عرض کردم، آقای امامی کاشانی است...

عرض شود خدمت تان که، يك دانشکده ای را رفته اند از مقام معظم رهبری اجازه اش را گرفته اند که برای خواهران دانشکده علوم قضائی می خواهیم بزنیم در قم. چیز خوبی است که خواهران هم در آن فضا حضور داشته باشند... مؤسسه این دانشکده بلافاصله بعد از گرفتن مجوز رفتند دنبال کمک های مالی اش. نوشتند: جناب آقای نعمت زاده، محبت فرمائید در جهت حمایت از تأسیس این دانشکده، کارخانه لاستیک دنا را کارشناسی کنید جهت این دانشکده. آوردند کارشناسی رسمی دادگستری را، چون آقایانی که این مؤسسه را تأسیس کرده بودند در دستگاه قضائی هم بودند، آن کارشناسان رسمی دادگستری هم می ترسیدند که قیمتی تعیین کنند که به این ها بر بخورد، حتماً باید قیمتی می گفتند که خوش به حال این ها بشود. زدند ۱۲۶ میلیارد. در صورتی که ما معتقدیم ۶۰۰ میلیارد هم بالاتر بود. تازه، ۱۲۶ میلیارد که ویلاهایش در شمال را نزده اند، اصلاً در آمار نیاورده اند، زمین های شیرازش را در آمار نیاورده اند، پول نقد موجود در حسابش را هم در آمار نیاورده اند، این طوری به ۱۲۶ میلیارد واگذاری کردند... دوباره نوشتند که محبت کنید تخفیف دیگری منظور بفرمائید. خلاصه پنج بار نامه نگاری انجام شده، معدن ۱۲۶ میلیاردی به ۱۰ میلیارد واگذار شد. بعد از آن دوباره نوشتند که ما حالا امکان پرداخت این پول را نداریم، ترتیباتی فراهم نمائید تا امکان پرداخت این پول برای ما فراهم شود. نوشتند که ۸۰ درصدش را اقساط بلندمدت و ۲۰ درصد یعنی ۲ میلیاردش را هم نقدی پرداخت کنید. گفتند ما آن ۲ میلیارد را هم نداریم نقدی بدهیم، ما بررسی کرده ایم که اموال کارخانه لاستیک دنا به این مقدار می رسد، از شما مهلت می خواهیم که این ها را بفروشیم تا بتوانیم این پول را بدهیم. گفتند که باشد، سفته ای ارائه بدهید به مدت ۹ ماه و ما این را نقد از شما می پذیریم. گفتند آقا پول هم نداریم که سفته بخریم! نوشت که آقای محمدتقی بانکی، مدیرعامل سازمان صنایع ملی ایران، ۲۳ میلیون تومان از صندوق سازمان صنایع ملی ایران برداشت کنید و سفته بخرید، بروید آیت الله فلانی و فلانی امضاء کنند و کارخانه را تحویل شان بدهید. و بعد از چند وقت دیدیم که کارخانه هم در بورس فروخته شد و واگذار شد که به آن پشت پرده ای هائی که این ها را هدایت می کنند...

این که عرض کردم لاستیک دنا، مال آقای یزدی بود - آقای محمد یزدی رئیس قوه قضائیه - در زمان ریاستش و آقای محمدعلی شرعی نماینده خبرگان استان قم.

مجدداً آقای یزدی برمی دارد می نویسد که جناب آقای فروزش، حمید ما بی کار است! ترتیبی اتخاذ فرمائید که از جنگل های شمال جهت صادرات چوب بهره مند گردد. آقای حمید یزدی، پسر آقای یزدی، مدیرکل حوزه ریاست قوه قضائیه بود در آن مقطع. و متأسفانه جنگل های شمال را این طوری به تاراج بردند و رفتند...

ایران خودرو می آید به دستگاه قضائی اعلام می کند که ما به همه قاضی ها ماشین (کارشناسی) می دهیم، ماشین پرشیا می دهیم و زیر قیمت. خب چه جوری؟ این ماشین کارشناسی است، ما هم تشخیص می دهیم که این ها را ۸ تومان، ۹ تومان بدهیم. دیدیم که کارخانه ایران خودرو بدون هیچ ضابطه ای به قضات قوه قضائیه ماشین پرشیا به نصف قیمت داده، بقیه اش را هم به اقساط، خیلی ها هم که ماشین به نام شان شد قسط ها را هم نپرداختند. همین بذل و بخشش ها باعث شد صدای خیلی های دیگر در بیاید، از همین نهادها و بنیادها. مثلاً «بنیاد نهج البلاغه»، که گفتند ۵۰۰ دستگاه به اش بدهید آقا! دید که بدش نمی آید، گفت ۵۱۷ تا دیگر هم بدهید. بنیاد نهج البلاغه کی هست؟ علی اکبر ناطق نوری، حسین دین پرور، معزی، عسکراولادی، رفیق دوست... یا مثلاً می آیند می دهند به باشگاه پرسپولیس. باشگاه پرسپولیس کیست؟ آقای عابدینی. ۲۰۰۰ دستگاه به ایشان بدهید. بنیاد دیگری به نام «هم گرائی اندیشه»، کیست این بنیاد؟ آقای فلاحیان، آقای علم الهدی، آقای X و Y، تعاونی وزارت کشور، ۲۰۰۰ دستگاه گرفتند آن ها هم... یا صنایع هوافضای وزارت دفاع، فلان قدر. موشک کروز، فلان قدر. حوصله خواندن همه اش را ندارم، یک لیست ۳۰ تائی از این ها هستند که این ماشین ها را زیر قیمت به آن ها واگذار کردند... جالب است که آن ۹-۸ میلیون را هم پول نقد نمی گرفتند ها، از دم قسط. باز جالب است بدانید که چون این ها همه کار سرشان می شد، دو سه قسط را می دادند و بقیه اش را نمی دادند.

... بخوایم وقت شما را با این موارد بگیرم، زیاد است. مثلاً معدن ذغال سنگ طبس، دوازده تا از معادن در استان خراسان توسط آقای واعظ طبسی. پرونده الکاسب مال پسر آقای واعظ طبسی است.

... در پرونده قاچاق کالا از فرودگاه پیام، قاچاقچی بزرگ فرودگاه پیام هزار و صد پرونده قاچاق کالا دارد، اما هنوز موفق به بازداشتش نمی شویم، چرا که تحت حمایت آقای ناطق نوری است. در مورد سلطان شکر و مافیای شکر هم باید بگویم که آقای مدلل، داماد یکی از علمای بزرگ بوده است. مدلل با همکاری شخصی به نام محمدرضا یوسفی اقدام به این کار می کردند که پس از رو شدن فعالیت شان حاضر شده بودند ۷۰۰ میلیارد تومان برای مختومه شدن این پرونده بپردازند.

در مورد قاچاق سیگار، اساساً تولید و قاچاق سیگار تولید توتون ایران را فلج کرده و کارگران این کارخانه ها را بی کار کرده.

... درباره مفاسد اقتصاد آقای هاشمی رفسنجانی و خانواده اش هم، آن قدر مفاسد اقتصادی این خانواده زیاد است که اصلاً قابل گفتن نیست. اما یکی از مفاسد اقتصادی این خانواده که میلیاردها دالر بوده از محل عدم پرداخت عوارض به دولت بوده و پول را بالا کشیدند، واردات خودروی دوو بود. یک سوم جزیره کیش، پارک جنگلی در شمال را هم باید از دیگر مفاسد اقتصادی خانواده هاشمی بیان کرد. در حال حاضر اسطبل اسب های دختر هاشمی فقط روزی ۱۰۰ هزار تومان پول هندوانه هائی است که برای اسب ها می ریزند. شرکت نفتی این خانواده به همراه عمه خانم یعنی خواهر هاشمی در کانادا هم که دیگر قابل گفتن نیست. پسر وسطی هاشمی به نام مهدی که در سازمان مدیریت بهینه سوخت مدیریت می کرد، با استخدام زیباترین دختران از آن ها چه سوء استفاده هائی که نمی کرد و بعداً که فلم از اتاق او کشف شد عمق کثافت کاری های او مشخص شد...

آن چه که ملاحظه کردید گوشه هائی از افشارگی های پالیزدار در دانشگاه همدان بود که با توصیه و حمایت محمود احمدی نژاد، دست به این افشاءگری زده بود.

دوازدهم میزان ۱۳۸۵، محمود احمدی نژاد در جمع مردم نظرآباد کرج با انتقاد شدید از فعالیت مفسدان اقتصادی در شبکه بانکی، از موفقیت دولت در جلوگیری از يك فساد بزرگ خبر داد و تهدید کرد کسانی که وام های کلان گرفته اند و با قلدری نمی خواهند بازگردانند، اگر تا ۱۵ روز دیگر تکلیف خود را مشخص نکنند، اسامی آن ها را اعلام می کند... به گزارش مشرق به نقل از آینده، آن روزها محمود احمدی نژاد پرحرارت تر از اکنون درباره مفسد سخن به میان می آورد و از لیستی سخن به میان می آورد که قرار بود از جیبش بیرون بیاید و با وجود آن که ۱۵ روز مهلت احمدی نژاد گذشت و کک قلدرهای مورد اشاره به پا خیزنده در برابر «فقر و فساد و تبعیض» نگزید، اما باز هم به صورت شفاف نام مفسدان اعلام نشد و بالاخره مشخص نشد چرا احمدی نژاد هیچ گاه آن لیست مفسدان را علنی نکرد و پایش نایستاد؟!...

بر اساس گزارشات، «شرکت توسعه سرمایه گذاری امیر منصور آریا» در ۲۸ جوزا ۱۳۸۵ شکل گرفت. تا جایی که سرمایه اولیه ۵۰ میلیون تومانی شرکت طبق صورت جلسه هیأت مدیره مؤرخ ۳۰/۱۱/۸۷، یعنی طی دو سال و هشت ماه به ۲۰ میلیارد تومان افزایش پیدا کرد! اما پس از رشد چهل برابری حالا وقت ایجاد و افزایش شرکت های اقماری بود که قرار بود «مهرگان ا. خ» را به صاحب يك غول بزرگ صنعت در تولید و واردات صنایع غذایی، فلزی، معدنی، کیمیائی، برق، خدمات مهندسی، مشاوره، ماشین سازی، ورزشی و... مبدل سازد. اما این همه پول در فضائی که بسیاری از سرمایه گذاران با مطالبات معوقه شان از حساب خالی سخن می آوردند، از کجا می آمد؟ مدیرعامل بانگ صادرات به رسانه ها گفت متوجه نشده چنین اعتبار بزرگی در زیرمجموعه اش باز شده است! آن هم در شرایطی که برای پرداخت يك چك تضمین شده يك میلیاردی تماس ها و استعلام های فراوانی می شود. از این مهم تر این که با رئیس بانک مرکزی که بنابر گفته جهرمی نیم ساعته روی این سرمایه ها، مجوز بانک آریا را صادر کرده است؟!...

یعنی این ها سه هزار میلیارد تومان را يك روزه و دو روزه دریافت نکرده اند و لابد چنین رقم های سنگینی بدون هماهنگی و اطلاع مدیرعامل بانک صادرات و حتی رئیس بانک مرکزی جابه جا می شده و هیچ کس هم نمی گفته این شخص چگونه «مولتی میلیاردر دالری» شده است؟!...

رسانه شرق، طی گزارشی نوشت: «... حالا برخی مدعیان مبارزه با فساد ساکت شده اند و دنبال کوچک ترین روزه ای هستند تا این یکی را هم یا به دشمن خارجی نسبت دهند و یا پای دولت های قبلی را به میان بکشند، اصلاً مگر می شود این چند ساله این اتفاقات رخ داده باشد؟! اصلاً این ها در مقام مدعی و طلبکار هستند و جلوتر از همه فریاد می زنند، دزد را بگیرید! ... عوامل این شبکه تضمین کرده بودند تا این ها با خیال راحت از سال ۸۶ این حرکت را آغاز کنند و در سال ۱۳۸۸ به ۸۰ میلیارد تومان، سال ۸۹، ۸۰۰ میلیارد تومان سرمایه در اختیار گرفته و در نهایت سال ۹۰، ۲ هزار و ۸۰۰ میلیارد تومان اختلاس کنند و چه بسا اگر یکی این وسط مشکوک نمی شد، این داستان هم چنان ادامه داشت...»

با این وجود، احمدی نژاد با بیان این که چند ماه است عده ای تلاش می کنند به دولت ضربه زده و دولت را بدون هیچ محدودیتی متهم می کنند، انگار که این موضوع رسیدگی نخواهد شد، خاطر نشان کرد: «از دستگاه قضائی می خواهم عوامل این اختلاس از هر جریان و گروهی است، شناسائی و به مردم معرفی کند.» او، باز هم بی شرمانه دولت خود را پاک ترین دولت تاریخ خواند و اظهار داشت: «برخی ها در جریان این اختلاس متهم می کنند، در حالی که ما باز هم سکوت می کنیم که به خاطر مقام معظم رهبری است که البته این سکوت وحدت بخش طولانی مدت نخواهد بود.»

در حالی که رئیس کل بانک مرکزی و مدیران ارشد سیستم بانکی کشور که در اختلاس سه هزار میلیارد تومانی قصور و تقصیرهای متعددی داشته اند، به وسیله بزرگ ترهای خود از جمله محمود احمدی نژاد، محمدرضا رحیمی، اسفندیار رحیم مشائی و حمید بقائی از دادن توضیح به افکار عمومی در سیما منع شده اند؟! به گزارش خبرنگار «آینده»، در حالی که محمود احمدی نژاد مدعی مدیریت جهانی و ارائه راهکارهای خارق العاده برای حل مشکلات لاینحل جهان بود، رقم خوردن اختلاس سه هزار میلیارد تومانی در سیستم بانکداری، نام دولت او را در کتاب رکوردهای گینس ثبت کرد. این رکوردشکنی بزرگ در حالی صورت گرفته که میزان اختلاس در بانک های امریکا در طول یک سال گذشته تنها ۴۷۲ میلیون دالر، یعنی یک پنجم این یک پرونده بوده است... به گزارش خبرگزاری خانه ملت، «ارسلان فتحی پور»، رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس، با بیان این که اختلاس از منابع بانکی کشور و با چنین حجم بالائی نگران کننده و تأسف بار است، گفت: «با مبلغ اختلاس شده، دولت به راحتی می توانست برای یک میلیون نفر از جوانان بی کار کشور، شغل ایجاد کند، ولی این مبلغ به راحتی در جیب عده ای رفته است و دستگاه های نظارتی در این باره سکوت کرده اند.»

رئیس سازمان بازرسی، ۲۷ شهریور [سنبله] ۱۳۹۰، در صحن مجلس اعلام کرد: «[حمایت دفتر رئیس جمهور از اختلاس گران](#)» وقتی افراد ناشایست و نالایق با پشتیبانی دفتر رئیس جمهور مسؤولیت می گیرند، نتیجه اش همین می شود؛ ما می گوئیم که وقتی افراد نالایق سر کار هستند و افراد مسأله داری که از دفتر رئیس جمهور حمایت می شوند و شخص مشائی از آن ها حمایت کرده و شخص احمدی نژاد با این کارها موافقت می کند، این ها به طور طبیعی سیستم را مستعد فساد می کنند.»